



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۹۰

جمعه ۱۹ دی ۱۳۹۳، ۹ ژانویه ۲۰۱۵

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

آزادی بیان یعنی آزادی نقد مذهب!

علت اعتیاد و صنعت اعتیاد!

دشمن جمهوری اسلامی کیست؟

ترور پاریس، ضربه ای به جنبش اسلام سیاسی!

صفحه ۷

جنایت ترویستهای اسلامی در پاریس را قاطعانه محکوم میکنیم

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۴

گستاخی حکومت اسلامی به
کارگران بیکار را نباید بدون
پاسخ گذاشت!

صفحه ۵

دور تازه مبارزه جهانی علیه اسلام سیاسی!

حمید تقوایی

صفحه ۲

اطلاعیه شماره ۷: "کمپین بهنام را آزاد کنید"
اعتراض بهنام ابراهیم زاده به
۹ سال و ۴ ماه و نیم حکم
جدید زندان

صفحه ۸

هزاران کارگر ایران خودرو برای افزایش دستمزد به حرکت در آمدند

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۵

مهرداد امین وزیری فعال کارگری
در سنجیدگی دستگیر شد
ریبوار عبداللهی و فرزند مرادی نیا
از زندان آزاد شدند

صفحه ۹

جبهه ملی: باز هم سیاست کریه دفاع از جناحی از رژیم اسلامی

علی جوادی

صفحه ۶

دور تازه مبارزه جهانی علیه اسلام سیاسی!

حمید تقوایی



جریانات اسلامی در کشورهای غربی محدود نیست. تروریسم و کشتار و سرکوب مستمر مردم به دلایل و بهانه های مختلف از جمله به "جرم" توهین به مقدسات یک واقعیت هر روزه در کشورهای اسلامزده است و در کشورهایی نظیر ایران امری است رسمی و قانونی که بطور سیستماتیک

بوسیله دولت اعمال میشود. دولتهای غربی تروریسم اسلامی را در چارچوب سیاستها و منافع خود و حداکثر آنجا که عملی تروریستی علیه شهروندان غربی اتفاق می افتد، تعریف و تبلیغ میکنند و این باعث شده است چهره واقعی تروریسم اسلامی و عملکرد آن در خود کشورهای اسلامزده از افکار عمومی در غرب تا حد زیادی مخفی بماند و یا زیر بار نظرات ارتجاعی ای نظیر نسبیت فرهنگی نادیده گرفته شود. باید چهارچوب ارتجاعی این تعبیر و تعریف رایج دولتها و رسانه های غربی از "تروریسم اسلامی" را شکست و عملکرد جنایتکارانه نیروها و دولتهای اسلامی را بطور همه جانبه در برابر انتظار مردم دنیا قرار داد. باید امثال ستار بهشتی و مختاری و پوینده به همان اندازه کاریکاتوریستهای نشریات دانمارکی و فرانسوی برای مردم آزادیخواه دنیا معرفی و شناخته شده باشند و جنایات جمهوری اسلامی علیه آزادی قلم و اندیشه نیز همانند جنایت تروریستها در خود کشورهای غربی، موجی از اعتراض و ابراز نفرت و انزجار عمومی را بدنبال داشته باشد. روشن است، و کاملاً طبیعی و قابل انتظار است، که حادثه ای مانند حمله اسلاميون در پاریس عامل و انگیزه قوی تر و موثرتری برای جلب توجه عمومی و شکل گیری تعرض توده ای در

غرب باشد اما باید توجه داشت که چنین اتفاقاتی گوشه را برای شنیدن نقد رادیکال و چپ علیه کلیت اسلام سیاسی باز میکند و زمینه توده ای شدن نقد عمیق و رادیکال و همه جانبه کمونیستی علیه اسلام سیاسی را فراهم می آورد. میتوان و باید در دل چنین

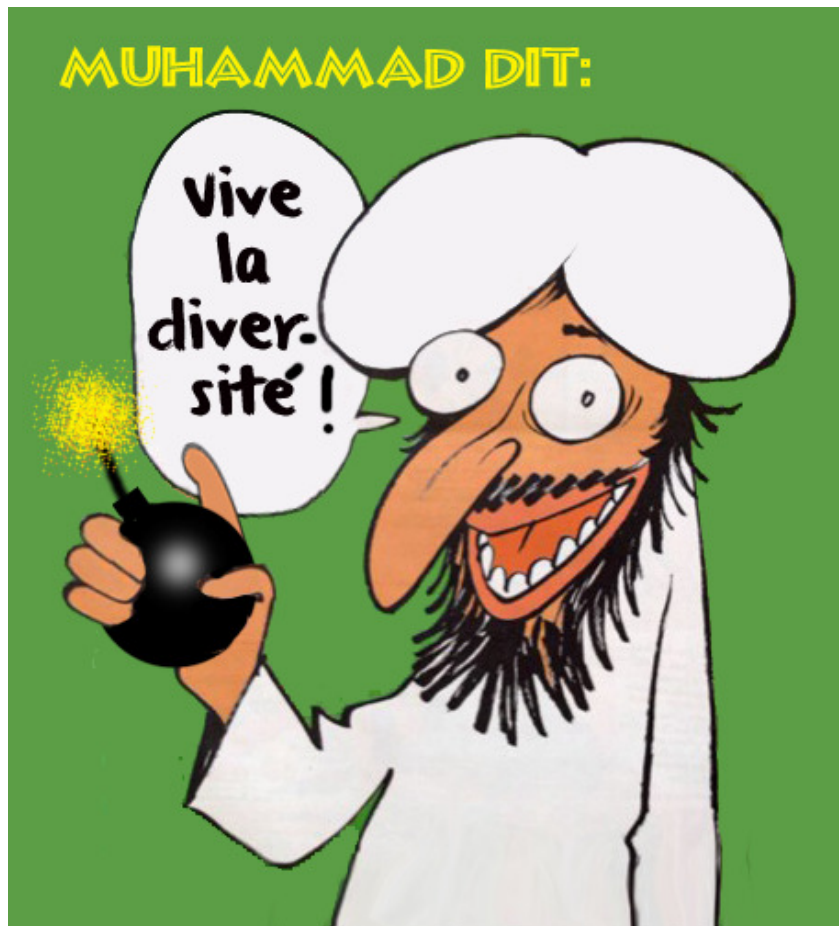
تروریستهای اسلامی بلکه سیاستهای ارتجاعی دول غربی و راسیسم و مدافعین نسبیت فرهنگی و غیره باشد. نقش چپ رادیکال و نیروهای نظیر حزب کمونیست کارگری در تعمیق و رادیکالیزه شدن این جنبش تعیین کننده است. این دور تازه ای در نبرد علیه اسلام سیاسی و دولتها و نیروهای راست

اسلامی در رسانه ها و در مדיای اجتماعی، مشخصاً انتشار مجله چپ و ضد مذهبی ای نظیر چارلی ابدو (و نشریه دانمارکی که در سال ۲۰۰۸ کاریکاتوری از محمد را چاپ کرد و اولین حمله به چارلی ابدو بخاطر تجدید چاپ این کاریکاتور بود)، و اکنون تعرض توده ای علیه حمله اسلاميون به این نشریه، از جمله

بطور مستقیم و غیر مستقیم زمینه فعال شدن نیروهای اسلامی را فراهم آورده است. حمله به نشریه چارلی ابدو بر متن این شرایط رخ میدهد، و به خیابان ریختن هزاران نفر در شهرهای اروپا حرکتی است علیه کل این شرایط. حزب ما از همان مقطع یازده سپتامبر در برابر دو قطب

حمله تروریستهای اسلامی به هفته نامه چارلی ابدو خشم و انزجار مردم جهان را برانگیخته است. در همان شب حادثه بالغ بر صد هزار نفر در پاریس و دیگر شهرهای فرانسه در محکوم کردن این جنایت و در دفاع از آزادی بیان به خیابانها آمدند. در شهرهای دیگر اروپا نیز موجی از تظاهرات و حرکتی توده ای آغاز شده است و این قابلیت را داراست که عمیق تر و گسترده تر بشود.

این جنبش نقطه عطفی در مبارزه جهانی علیه اسلام سیاسی است. بعد از یازده سپتامبر دولت آمریکا و همپیمانانش از تروریسم اسلامی یک ابزار و هدف نظامی - سیاسی برای تحکیم موقعیت و هژمونی بلوک غرب بر دنیای پس از جنگ سرد ساختند. این مقابله نه تنها به تضعیف تروریسم اسلامی منجر نشد بلکه بر عکس زمینه تازه ای برای رشد و گسترش آن در خاورمیانه و در همه جای دنیا بوجود آورد. وضعیت فاجعه بار عراق و افغانستان و سوریه و عروج و سر بلند کردن داعش یک نتیجه مستقیم جنگ تروریستی بین غرب و نیروهای اسلامی است. در جوامع غربی نیز جا باز کردن روز افزون مذهب در سیاست دولتها و در امور آموزشی و اجتماعی، سیاستهای ماماشات جویانه و حتی حمایت آمیز دولتهای غربی در قبال جریانات اسلامی فعال در این کشورها، تز نسبیت فرهنگی و انکار ارزشهای جهانشمول انسانی، حمایت نیروهای باصطلاح چپ "ضد امپریالیست" از نیروهای اسلامی، فعال شدن نیروهای راسیستی علیه مهاجرین و پناهندگان از کشورهای اسلامزده و غیره غیره،



رنگارنگی است که خود در شکلگیری و تقویت اسلام سیاسی در غرب و در شرق نقش داشته اند.

اساس و مضمون محوری این جنبش مقابله همه جانبه و رادیکال با جنبش اسلام سیاسی است. اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی تنها به فعالیتهای

تحولات و رخدادهایی است که به این جبهه سوم، به جبهه مبارزه جهان متمدن علیه هر دو قطب تروریستی، تعلق دارد.

موج اعتراضی که بدنبال حادثه پاریس آغاز شده است میتواند نقطه شروع یک جنبش چپ رادیکال و آزادیخواهانه و سکولاریستی نه تنها در مقابل

تروریستی میلیتاریسم دولتی غرب و اسلام سیاسی، بعنوان دو قطبی که یکدیگر را توجیه میکنند و زمینه رشد یکدیگر را فراهم میکنند، قاطعانه ایستاد و اعلام کرد که پاسخ این شرایط بمیدان آمدن جهان متمدن است. به نقد و طنز کشیدن مذهب و بخصوص اسلام و تابوهای

دور تازه مبارزه جهانی علیه اسلام سیاسی!

حرکت‌هایی توجه جهانیان را به تروریسم هر روزه و نهادینه شده در کشورهای اسلامزده ای نظیر ایران جلب کرد و به یک جنبش اجتماعی رادیکال علیه کلیت اسلام سیاسی شکل داد.

یک مضمون پایه ای و وجه مشخصه دیگر حرکتی که آغاز شده دفاع پیگیر از آزادی بی قید و شرط بیان است. اینجا نیز نقد مذهب نقش تعیین کننده ای پیدا میکند. ما همیشه بر این حقیقت تاکید کرده ایم که آزادی بیان بدون آزادی نقد مذهب عملاً معنائی ندارد. در تمام طول تاریخ بشر و همین امروز مذهب و نیروهای مدافع خرافات و مقدسات مذهبی با کمال آزادی و بدون هیچ محدودیتی و با حمایت کامل دولتها مبلغ عقب مانده ترین و مسموم ترین نظرات بوده اند و هستند. در مقابل، آزاد اندیشان و بی خدایان و منتقدین مذهب با بیشترین محدودیتها، سرکوبها و شکنجه و کشتار روبرو بوده اند و همین امروز در جوامعی نظیر ایران این جنایت امری هر روزه است. آزادی نقد مذهب پیش شرط آزادی بیان، و نقد و به طنز کشیدن تابوها و مقدسات مذهبی یک شاخص

مهم وجود آزادی بیان در هر جامعه ای است. باید همه نیروهای آزاد اندیش و همه مدافعین آزادی بیان بر این اصل پافشاری کنند - و به آن عمل کنند - که آزادی بیان معنائی بجز نقد مذهب و مقدسات مذهبی ندارد. دولتهای غربی و طرفداران نسبیت فرهنگی به بهانه آزادی مذهب و احترام "به عقاید افراد" که شکل پوچ و مسخ شده و در واقع نقطه مقابل "احترام به افراد" است، خود بعنوان مانعی در برابر آزادی بیقید و شرط نقد مذهب عمل میکنند. حتی آزادی مذهب تنها با برسمیت شناسی آزادی نقد مذهب معنی پیدا میکند. کسی که تحت تاثیر تبلیغات یکجانبه

مذهبیون خود را پیرو مذهب معینی میداند انتخاب آزادانه ای نکرده است. احترام به افراد نیز مستلزم نقد عقایدی است که به انسانیت و هویت انسانی افراد بی احترامی و اهانت میکنند و هر کتاب مقدسی مشحون از چنین اهانت‌هایی است.

هفته نامه چارلی ابدو یکی از سنگرهای نقد طنز آمیز اسلام و دیگر مذاهب است و یکی از راههای موثر مقابله با تروستهای اسلامی انتشار هر چه وسیعتر چنین نشریاتی در مدیای اجتماعی و رسانه های سنتی است. در مدت کوتاهی که از حمله به هفته نامه چارلی ابدو میگذرد کاریکاتورهای مندرج در آن در سطح وسیعی در دیگر رسانه ها و سایتها پخش شده است و قرار است شماره بعدی این نشریه نیز در تیراژ یک میلیونی منتشر بشود. باید امیدوار بود و تلاش کرد که این حرکت ادامه پیدا کند و گسترده تر بشود. بخصوص بسیار مهم است که سایتها و نشریات فارسی و عربی زبان نیز به این حرکت به پیوندند. این یک اقدام موثر در دفاع عملی از آزادی بیقید و شرط بیان و آزادی نقد مذهب است.

رکن دیگر نبرد با اسلام سیاسی مقابله با نیروهای غیر مذهبی است که بطور مستقیم و یا غیر مستقیم در کنار اسلاميون قرار میگیرند. نظراتی مانند نسبیت فرهنگی، پست مدرنیسم، نفی فرهنگ و ارزشهای جهانشمول انسانی، و انگ و برچسب اسلاموفوبیا به هر موضع و نظر سکولاریستی و اته نیستی، دکترینی ارتجاعی است که مستقیماً در خدمت نیروهای اسلامی و مذهبی قرار میگیرد. این نوع نظرات زمینه فکری و تئوریک سیاست دولتهای غربی در برخورد به نیروها و دولتهای اسلامی بویژه در قبال جریانان اسلامی در کشورها غربی را تشکیل میدهد. این نظرات و سیاستها از یکسو موجب تقویت نیروهای اسلامی در غرب و گسترش مساجد و مدارس اسلامی و عضوگیری جریانان اسلامی نظیر داعش از جوانان مغزشوئی شده بوسیله اسلامیهستها در کشورهای غربی شده است و از سوی دیگر به نیروهای راسیستی و خارجی ستیز زمینه رشد و کسب نفوذ سیاسی و اجتماعی داده است. امروز راسیسم و اسلامیهست در

اروپا دو روی یک سکه و توجیه کننده و تقویت کننده همدیگرند و مهمترین علت این امر چیزی بجز سیاستهای پرو اسلامیهستی دولتهای غربی نیست. در مقابله با این سیاستها، هم در مقابله با اسلام پناهی دولتهای غربی و هم علیه نیروهای راسیست، بویژه تاکید بر ارزشهای جهانشمول انسانی و دفاع از همدردی و همسرنوشتی و همراهی همه مردم دنیا فارغ و مستقل از هویتها کاذب قومی و مذهبی و ناسیونالیستی که به آنها نسبت میدهند، جایگاه تعیین کننده ای دارد. پاشنه آشیل مذهب و ناسیونالیسم و راسیسم نفی هویت انسانی و ارزشها و آمال و آرزوهای مشترک و جهانشمول همه انسانها است.

یک نمونه بارز نفی هویت و خواستهای مشترک شهروندان مطرح شدن قوانین و دادگاههای شریعه برای "مسلمانان مهاجر" به کشورهای غربی است. این سیاست حدود ده سال قبل در کانادا و اخیراً در انگلستان رسماً از جانب دولتها مطرح شده و به مرحله اجرا نزدیک شده بود که در اثر شکلگیری یک اعتراض اجتماعی به ایتکار و با شرکت فعال کادرها و اعضای حزب ما در کانادا این سیاست ناکام ماند و در انگلیس نیز توانسته ایم عقب نشینهای را به مدافعین این طرح ارتجاعی تحمیل کنیم. نقطه اتکای ما در این مبارزه تاکید بر

"یک جامعه یک قانون" و هویت و ارزشها و خواستهای مشترک انسانی همه شهروندان بود و امروز در جنبشی که علیه اسلام سیاسی آغاز شده است نیز یکی از محورهای مهم فعالیت ما باید همین باشد.

آنچه گفته شد رهوس فعالیت حزب ما و هر نیروی کمونیستی است که بخواهد در جنبش که آغاز شده نقش موثری ایفا کند. حرکتی که امروز با شعار "من چارلی هستم" آغاز شده حتی اگر پس از مدت کوتاهی فرو بخوابد زمینه ها و شرایط تازه ای برای تعرض چپ به اسلام سیاسی فراهم کرده است. ما به استقبال این شرایط میرویم و با همه نیرو و امکاناتمان میکوشیم تا به یک حرکت و جنبش اجتماعی عمیق و وسیع جهانی در نقد اسلام سیاسی، در دفاع از آزادی بیان و قلم و اندیشه و بخصوص آزادی به نقد و طنز کشیدن مذهب، و در برابر راسیسم و سیاستهای اسلام پناهاه دولتهای غربی شکل بدهیم. در این حرکت ما همراه و همدوش همه نیروهای چپ، کمونیست، سکولار، اته نیست و آزادیخواه و همه انسانهای شریفی هستیم که جهان متمدن و خواستها و آمال بشری را در برابر توحش سرمایه داری نمایندگی و پاسداری میکنند.*



جنایت ترویستهای اسلامی در پاریس را قاطعانه محکوم میکنیم

را با بازماندگان قربانیان حمله به دفتر مجله چارلی ابدو اعلام میدارد، این جنایت را قاطعانه محکوم میکند، و همه نیروهای چپ و سکولار و آته نیست و همه انسانهای شریف و آزادیخواه در سراسر جهان را فرا میخواند که علیه اسلام سیاسی و در دفاع از آزادی بیان و بویژه آزادی نقد مذهب بمیدان بیایند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ دیماه ۱۳۹۳، ۷ ژانویه ۲۰۱۵

دولتهای غربی که برای پیشبرد سیاستها و اهداف خود به دولتها و نیروهای اسلامی در خاورمیانه اتکا میکنند و خود در مطرح شدن و قدرتگیری آنان نقش داشته اند، عملاً در برابر جبهه چپ انقلابی و سکولارستها و آته نیستها و بشریت آزادیخواهی قرار میگیرند که مبارزه با نیروها و دولتهای اسلامی در همه شاخه های آنرا امر و وظیفه خود قرار داده است. هفته نامه چارلی ابدو به این جبهه متعلق است.

بشریت متمدن و آزادیخواه باید بپا خیزد و علیه اسلام سیاسی، علیه سیاستهای مماشات جویانه دول غربی با دولتها و جریانهای اسلامی، و با پرچم دفاع از انسانیت، دفاع از آزادی بی قید و شرط نقد مذهب و مشخصاً نقد اسلام، و با پرچم دفاع از سکولاریسم و جدایی مذهب از دولت در هر نقطه جهان بمیدان بیاید. هم اکنون تجمعات و تظاهرات علیه نیروهای اسلامی در فرانسه و آلمان و انگلیس آغاز شده است. این میتواند، و حزب کمونیست کارگری با تمام قوا تلاش میکند، شروع یک صفبندی جهانی تازه علیه نیروهای اسلامی باشد.

حزب کمونیست کارگری همدردی عمیق خود

حمله جنایتکارانه امروز ترویستهای اسلامی به دفتر مجله چارلی ابدو در پاریس خشم و انزجار مردم جهان را برانگیخته است. چارلی ابدو يك هفته نامه طنز پرداز چپ و مترقی است که امر خود را نقد مذهب و دست انداختن مقدسات و تعصبات و تابوهای مذهبی قرار داده است. در سال ۲۰۱۱ این مجله بخاطر انتشار کارتونی از محمد مورد حمله گروه های اسلامی قرار گرفته بود و مسئولین و نویسندگان آن چندین بار به مرگ تهدید شده بودند. در حمله اسلامیهستها به دفتر این هفته نامه ۱۲ نفر از جمله سردبیر نشریه و سه کاریکاتورست سرشناس فرانسوی کشته شده اند. این حمله ای مستقیم به آزادی بیان، آزادی نقد مذهب و حمله به مدنیت و انسانیت است.

این جنایت بار دیگر مردم جهان را متوجه فجایع عظیم و هر روزه ای میکند که دولت ها و سازمان های اسلامی در ایران و افغانستان و عراق و سایر کشورهای اسلام زده علیه مخالفین خود و علیه منتقدین اسلام مرتکب میشوند. مبارزه با دولتها و نیروهای اسلامی بر دوش نیروهای چپ و آته نیست و آزادیخواه است.



هزاران کارگر ایران خودرو برای افزایش دستمزد به حرکت در آمدند

میلیون است، یک خواست فوری و سراسری کارگران محسوب میشود و در سالهای گذشته مبارزات گسترده ای از جمله طومار ۴۰ هزار کارگر حول این خواست شکل گرفته است. با این اعتراض طبقه کارگر در ایران در موقعیت مساعدتری برای شروع یک مبارزه سراسری برای افزایش دستمزد حداقل سه میلیون تومان قرار میگيرد. مبارزه متحدانه برای افزایش دستمزد باید از ایران خودرو به سراسر کشور گسترش یابد و همه جا پرچم افزایش دستمزد لااقل به میزانی بالای خط فقر برافراشته شود.

حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از مبارزه کارگران ایران خودرو، کارگران در سراسر کشور را به حمایت از مبارزه کارگران ایران خودرو و پیوستن به اعتصاب و مبارزه برای افزایش دستمزد فرامیخواند.

در همبستگی با کارگران ایران خودرو

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ دیماه ۱۳۹۳، ۸ ژانویه ۲۰۱۵

پرسنل بدنه سازی را جمع کرد و طی صحبتی با آنان تلاش نمود با دادن وعده و عید آنان را به پایان دادن به اعتراض ترغیب کند وی در جمع کارگران از اجرا و بازنگری طرح طبقه بندی مشاغل و افزایش حقوق در سال آینده و رسیدگی به مسائل آن دسته از کارگرانی که در آستانه بازنشستگی قرار دارند صحبت کرد. حراست کارخانه نیز ده نفر از کارگران را احضار کرده و مورد تهدید قرار داد اما نه وعده ها و نه تهدیدها نتوانست باعث توقف اعتراض کارگران شود و کارگران همچنان بر افزایش فوری مزد تاکید کردند. لازم به توضیح است که شرایط امنیتی و سرکوبگرانه ویژه ای در ایران خودرو وجود دارد. از جمله حراست کارخانه تلاش میکند کارگران فعال را شناسایی کند و در زیرزمین این کارخانه عملاً شعبه ای از وزارت اطلاعات برای بازجویی کارگران ساخته شده تا با تحت فشار گذاشتن کارگران فعال و پیشرو مانع تحرك کارگران و اعتراضات متحدانه آنها شوند. خواست افزایش دستمزد در شرایطی که طبق گزارشات خود حکومت خط فقر بالای سه میلیون تومان است و حقوق کارگران در سطح کشور حول و حوش یک میلیون و بعضاً بسیار کمتر از یک

هزاران کارگر ایران خودرو شیپور مبارزه برای افزایش دستمزد را با یک حرکت اعتراضی جمعی به صدا درآوردند. ایران خودرو یکی از بزرگترین مراکز صنعتی در ایران است و مبارزه هزاران کارگر در قسمت های مختلف این مجتمع صنعتی برای افزایش دستمزد، حائز اهمیت زیادی در گسترش اعتراضات کارگری در ایران میباشد. بنا به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران اعتراض کارگران ایران خودرو از روز ۱۶ دیماه (۶ ژانویه) با تحویل نگرفتن ناهار و شام در کارخانه شروع شده و بسرعت بصورت زنجیره ای در تمامی سالن های بزرگ تولید و سواری سازی و بدنه و پرس و هرچهار بخش مونتاژ و نیرو محرکه و ... گسترش یافته است. در پی این اعتراض بزرگ کارگری، دیروز بدنبال حضور مهدی جو و اسماعیل پور دو تن از مسئولین رده بالای شرکت در قسمت مونتاژ موتور پیکان وانت، کارگران این قسمت به مدت ۲ ساعت به علامت اعتراض دست از کار کشیدند و علیرغم اصرار این دو نفر برای گرفتن شام توسط کارگران، آنان از پذیرش آن سرباز زدند. همچنین دیروز ضیائی قائم مقام مدیر عامل شرکت ایرانخودرو در سالن شاتل،

گستاخی حکومت اسلامی به کارگران بیکار را نباید بدون پاسخ گذاشت!

فرد بیکاری مقصر نیست. مقصر جامعه سرمایه داری است. سرمایه داری همواره نیازمند وجود یک ارتش عظیم بیکاران در جامعه است و همیشه بخاطر پایین نگاهداشتن دستمزد کارگران و افزایش سود سرمایه درصدی از کارگران بیکار نگهداشته داشته میشوند. باید اعلام کرد تمام خفتی که به اشکال مختلف به کارگر بیکار میدهند در حقیقت خفتی است که شایسته حکومت اسلامی و نظام سرمایه داری است که با کشتار و شکنجه و اعدام آنرا نگهداشته اند. باید اعلام کرد که حکومتی را که وزیر کارش به هفت میلیون بیکار این چنین وقیحانه اهانت میکند باید بزرگ کشید. باید گفت باید گورتان را گم کنید! ما بر ویرانه های حکومت شما جامعه ای شایسته انسان، جامعه متضمن آزادی، برابری و رفاه همگان سازمان خواهیم داد.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ دیماه ۱۳۹۳، ۶ ژانویه ۲۰۱۵

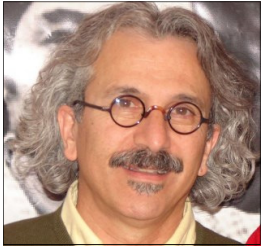
ناف این حکومت را با ضدیت علیه کارگر و آزادیخواهی و حرمت انسانی بریده اند. نتیجتاً باید با یک حرکت اعتراضی همه جانبه به این گستاخی پاسخ داد. واقعیت این است که در حکومت اسلامی مانند بسیاری از جوامع سرمایه داری تحقیر کارگران بیکار یک پای تعرض به کل کارگران در جامعه است. رسانه ها و مبلغان این نظام ها همواره تلاش میکنند تا تصویر یک انسان بی شخصیت و بی حرمت را از فرد بیکار ارائه دهند. اما این گستاخی را نباید بدون پاسخ گذاشت! کارگران، اعم از بیکار و شاغل، باید در کنار مردم آزادیخواه و برابری طلب چنان حرکت اعتراضی علیه این بیشرمی سازمان دهند که این مقام حکومتی و کل حکومت را از گفته خود پشیمان کنند!

باید اعلام کرد که اگر بخش وسیعی از طبقه ما بیکار است، ناشی از عجز و عدم قابلیت و ورشکستگی حکومت اسلامی و جامعه سرمایه داری است که نمیتواند کار مناسب برای بخش وسیعی از مردم سازمان دهد و یا کار مفیدی در جامعه برای همگان فراهم کند. باید اعلام کرد که بیکاری یک پدیده تصادفی در جامعه نیست. هیچ

حسن طایی، "معاون کار آفرینی و توسعه اشتغال و وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی" حکومت اسلامی روز پنجشنبه در بجنورد گفت: "ما هفت میلیون بیکاره و علاف در کشور داریم" و اضافه کرد: "می توانند برای بازار کار و اقتصاد ما مشکل ساز شوند."

این اظهارات وقیحانه وزیر کار دولت "تدبیر و امید" حکومت اسلامی نسبت به کارگران بیکار است. به القاب پرطمطراقش نگاه کنید: "معاون کار آفرینی و توسعه اشتغال و وزیر تعاون و کار و رفاه اجتماعی!" وارونگی و ریاکاری از سر و روی آن می ریزد. معلوم نیست این مقام حکومتی قرار است برای چه کسی در جامعه "کار آفرینی و اشتغال" ایجاد کند، زمانی که حتی کارگران بیکار را که موضوع مستقیم تعریف ظاهری کارش است با بیشرمی تمام "مشکل" بازار کار و اقتصاد قلمداد میکند؟

اگر در این حکومت کارگر و شهروند از ذره ای حقوق مدنی و انسانی رسمی برخوردار بودند این فرد و این حکومت را به جرم توهین و هتک حرمت علیه بخش وسیعی از جامعه به پای میز محاکمه میکشاندند و کل دولتشان را بزرگ میکشیدند. اما نه! اینجا ایران تحت حاکمیت اسلامی است. بند



جبهه ملی: باز هم سیاست کریه دفاع از جناحی از رژیم اسلامی

علی جوادی

اما چرا "تامین امنیت ملی"؟ چرا در این زمان؟ امنیت ملی به هر تعبیری که بکار برده شود به لحاظ سیاسی در نظامهای موجود معنایی جز دفاع از امنیت سیاسی نظام حاکم بر جامعه ندارد. در آمریکا به این معنا است، در چین به این معناست و در کلا در هر جامعه سرمایه داری جهان معاصر چنین است. و واقعیت این است که جبهه ملی هم نگران همین مساله است. دل نگران آینده سیاسی حکومت اسلامی است. همانطور که بارها بیان کرده اند نگران آن هستند که جناح راست رژیم با سیاستهایش موقعیت سیاسی جامعه را به نقطه بحرانی غیر قابل برگشت برساند. میدانند که در چنان شرایطی پرونده سیاسی شان بسته خواهد شد. میدانند که اگر رژیم اسلامی سرنگونی شود پرونده اصلاحات رژیم اسلامی هم به همراهش بسته خواهد شد. میدانند که جامعه در کنار سرنگونی رژیم اسلامی دست ردی بر تمامی کسانی خواهد زد که نه تنها در مشروعیت بخشیدن به حکومت اسلامی نقش ایفا کردند بلکه کل پروژه شان اصلاح رژیم اسلامی و تامین شرایط حفظ و بقای آن در رو در رویی با خواست پایه ای جامعه برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و دست یابی به آزادی و برابری و رفاه بوده است. در ادامه به نقد رؤس "سیاست کشاورزی" جبهه ملی نیز پرداخته خواهد شد.*

بخش از تولید در جامعه و مناسبات ناظر بر آن خواهم پرداخت، اما رابطه این مساله در "تامین امنیت ملی" از اهمیت بیشتری برخوردار است. تاکنون ما جبهه ملی را بارها در مقام مشاور اقتصادی و سیاسی رژیم اسلامی دیده بودیم، اما کمتر این جریان را در مقام مشاور امنیتی رژیم اسلامی مشاهده کرده بودیم. در اوائل "انقلاب ۵۷" به این راضی بودند که پست وزارتخانه کار و چند پست مدیر کلی در سایر وزارتخانه ها را داشته باشد و به زندگی سیاسی حقیر خود در حاشیه با کمی هم غرووند ادامه دهند. اما اکنون گویی در تلاش دیگری هستند، به فکر "تامین امنیت ملی" رژیم اسلامی هم افتاده اند. "تامین امنیت ملی" علی العموم تعریف شغلی وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران، بسیج و لباس شخصی ها و سایر نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی است. علی خامنه ای و سایر سران عناصر رژیم اسلامی هدف شب و روزشان پیشبرد این سیاست در مواجهه با جامعه و مردمی است که میخواهند سر به تن این رژیم اسلامی نباشد. قاضی مرتضوی ها و لاریجانی ها و لاجوردی ها و حاج داوود ها و کچویی ها تعریف شغلی شان "تامین امنیت ملی" بوده است. اینکه جبهه ملی این مشغله را به وظایف سیاسی خود اضافه کرده است نشانه عمق کراحت سیاست جبهه ملی است.

در ایران؟! دیدنی است پس از آنکه دولت روحانی رکوددار اعدام در دوره اخیر در ایران شد، پس از آنکه تعرضی بزرگ به معیشت و نان مردم را سازمان داد، پس از آنکه رژیم اسلامی دستجات اوباش اسید پاش را به جان مردم برای تحمیل حجاب و پیشبرد سیاست نهی از منکر انداخت، جبهه ملی ایران به این سرکرده حکومت جنایتکار اسلامی با لقب "ریاست گرامی جمهوری اسلامی ایران" برخورد میکند. واقعا معلوم نیست که حکومت اسلامی چه تعداد از شریفترین انسانها را باید به جوخه های تیرباران و چوبه های دار بسپارد، چه تعداد را باید شکنجه و سنگسار کند، چه تعداد از زنان را باید کفن پوش کند، چه بخش دیگری از جامعه را باید فقر و فلاکت مطلق بکشاند، چه تعداد را به بی خانمانی محکوم کند، چه تعداد کودک را به کار خیابانی روانه کند، چه تعداد باید کلیه خود را برای تامین معاش بفروش برسانند و چه تعداد باید به فحشا و مواد مخدر کشیده شوند تا این جریان برای "حفظ ظاهر" در قبال مردم آزادیخواه و سرنگونی طلب هم که شده تلاش کند از کاربرد چنین القابی برای این بالاترین مقام اجرایی حکومت اسلامی خود داری کند؟! اما نه! مساله "حفظ ظاهر" نیست. بر عکس باید متشکر بود که جبهه ملی جوهر سیاستش در دفاع از رژیم اسلامی را بدون لکنت زبان مطرح میکند.

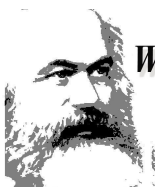
موضوع نامه نیز خود جالب توجه است: "الویت کشاورزی در تامین امنیت ملی"؟! در بحثهای دیگر به جوهر فوق دست راستی جبهه ملی در برخورد به این

قول خودشان "بیعت" کرد و از ائتلافش در اوان شکل گیری حکومت اسلامی و در تلاش برای حقه کردن آن به جامعه قاطعانه دفاع کردند. در حقیقت یکی از پایه های مشروعیت دادن به این حکومت فوق ارتجاعی در کنار سایر جریانات مانند حزب توده و خیل روشنفکران شرق زده در جامعه بودند. این جریان در دوران خاتمی تمامی "درسهای" ناگرفته دوران پیش از آن را فراموش کرد و پس از یک دوره رخوت چند ساله مجدداً به فعالیت خود در دفاع از رژیم اسلامی تحت پرچم دفاع از خاتمی پروبال داد و به تعرض به کمونیستها و نفس مبارزه علیه کلیت رژیم اسلامی پرداخت. در دوران احمدی نژاد مجدداً دچار سستی در دفاع از حاکمیت اسلامی شد. اما با سر بر آوردن روحانی از مضحکه انتخاباتی رژیم اسلامی مجدداً به تکرار سیاست سخیف همیشگی خود روی آورد و هنوز و تا اطلاع ثانوی نیز در این فاز طی طریق میکند.

اخیرا آقای کورش زعیم "هموند شورای مرکزی جبهه ملی ایران" نامه و طرحی برای "بهبود کشاورزی در ایران به حسن روحانی" نوشته است. این نامه و طرح توسط "دفتر مردممداری جبهه ملی ایران" - تهران، ایران" منتشر و پخش شده و برای من نیز ارسال شده است. تا اینجای قضیه میتوان استنتاج کرد که مضمون این نامه و همچنین سیاستهای مطرح شده در آن بازتاب سیاستهای جبهه ملی ایران است. نامه اینطور آغاز میشود: "جناب آقای حسن روحانی، ریاست گرامی جمهوری اسلامی

جبهه ملی ایران هیچگاه از سیاست کثیف دفاع از بخشی از جناح های حکومت اسلامی دست برنداشته است. هر چند که در هر دوره ای و در اثر سیاستهای فوق ارتجاعی جناح راست حکومت اسلامی و موقعیت این جناح در کل حاکمیت ناچار شده است رنگ و لعاب "اپوزیسیونی" به سیاستهایش بزند. اما جوهر سیاستهایش دفاع از بنیان های حاکمیت ارتجاعی رژیم اسلامی و اعلام وفاداری به بالاترین مقامات و نهادهای رهبری آن در عین داشتن برخی مواضعی انتقادی به جنبه هایی از حکومت بوده است. در عین حال باید اضافه کرد که موقعیت "اپوزیسیونی" جبهه ملی نه ناشی از نقد عمیق و همه جانبه حکومت اسلامی و تفاوتهای عمیق میان این نیرو و حکومت اسلامی بلکه ناشی از آنچه که خود "انحصار طلبی" جناحهای حاکم رژیم اسلامی می نامند، است.

جبهه ملی به طیف راست جنبش ملی - اسلامی تعلق دارد و سیاستهایش اساساً از موقعیت جنبشی اش نشئت میگیرد. اما بعضاً در این سیاست همیشگی خود تحت تاثیر توازن قوای درون رژیم دچار رکود و رخوت شده اند و با هر تغییر ترکیب درون حاکمیت اسلامی به ضرر جناح راست و به نفع جناح مطلوبشان نوری در سیاهچاله حکومت اسلامی دیده اند و به فعالیتهای خود در دفاع از جناحی از رژیم اسلامی رونق داده اند. تاریخا این جریان مانند سلف خود یعنی نهضت آزادی در شکل گیری و پایه ریزی حکومت اسلامی سهم بوده است. سنجابی با خمینی به



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wcpiran.org

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

آزادی بیان یعنی آزادی نقد مذهب!

"سوء استفاده از آزادی بیان و تندروی فکری و ترور شخصیت‌های مورد احترام ادیان، ملت‌ها و توهین به ادیان الهی و ارزش‌ها و نمادهای مورد احترام این ادیان محکوم و غیرقابل قبول است."

این بخشی از اظهارات معاون وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در واکنش نسبت به جنایت پاریس است. البته حمله تروریستها و افراطی‌گری را هم محض خالی نبودن عریضه محکوم کرده اند اما تاکیدشان بر محکوم کردن توهین به ادیان و ارزشهای مذهبی است. از حکومتی که رسماً و علناً و قانوناً آزاد اندیشان و سکولارها و اته‌ئیستها را به زندان میاندازد و به جوخه اعدام میسپارد و از نظامی که دستش به خون مختاری‌ها و پوینده‌ها و ستار

بهشتی‌ها آلوده است انتظاری جز این نمیتوان داشت. اما شرط و شروط گذاشتن برای آزادی بیان و بویژه ممنوعیت نقد مذهب تنها به دولتهای سرکوبگر و تروریستی نظیر جمهوری اسلامی محدود نیست، دولتهای غربی و طرفداران پست مدرنیسم و نسبیت فرهنگی نیز همین ساز را میزنند. در برابر این جبهه ارتجاعی، باید با به نقد و طنز کشیدن مذهب به میدان آمد. تجدید چاپ کاریکاتورهای مجله چارلی ابدو در نشریات کثیرالانتشار اروپائی یک اقدام مهم در دفاع عملی از آزادی بیان است و باید امیدوار بود که اشاعه به نقد و طنز کشیدن مذهب در سطحی وسیع و گسترده تر از گذشته اشاعه پیدا کند. آزادی بیان بدون آزادی بی قید و شرط نقد مذهب معنائی ندارد. *

دشمن جمهوری اسلامی کیست؟

"تحریم‌ها برای کشور مشکل ایجاد کرده اما اگر دشمن شرط برداشته شدن آنها را، فلان مسئله اساسی و آرمانی از جمله دست برداشتن از اسلام و استقلال و پیشرفت علمی قرار دهد قطعاً غیرت هیچ مسئولی، قبول نمی‌کند. البته دشمن فعلاً به صراحت با آرمانها کاری ندارد اما اگر عقب نشینی بشود بعداً سراغ آرمانها هم می‌آید".

خامنه‌ای

خامنه‌ای با این جملات ندانسته درد اصلی نظامش را در مذاکرات با غرب بیان کرده است. رابطه با غرب تضعیف "آرمان اسلام" را بدنبال خواهد داشت و آرمان اسلام هم یعنی تعزیر و شلاق و اعدام و بیحقوقی زن و آپارتاید جنسی و اسید پاشی و چاقو کشی! همه این جنایات مقدس برای حفظ قدرت و ثروتهای نجومی که در دست مقامات حکومت اسلامی، از بیت رهبری تا باند رفسنجانی و دار و جناح اصولگرا و استحاله‌چی انباشته شده از

نان شب واجب تر است. رابطه با غرب، یعنی دست کشیدن از تبلیغات و سیاستهای ضد آمریکائی‌گری، کل این دستگاه فساد و جنایت را به لرزه خواهد انداخت، ولی نه آنطور که خامنه‌ای میگوید بخاطر "شرط و شروط دشمن" بلکه به دلیل اوج گرفتن مبارزات و اعتراضات توده مردم. دولت آمریکا و غرب با تروریسم اسلامی که به مرزهای خودش محدود بماند هیچ مساله‌ای ندارند. مشکل رژیم رابطه با دولتهای غربی نیست، بلکه جامعه‌ای است که به جمهوری اسلامی دست شسته از هویت ضد آمریکائی‌اش امان نخواهد داد. "دشمن" جمهوری اسلامی کارگران و زنان و جوانان و توده مردم به ستوه آمده هستند. بسیج و سپاه و گشت ارشاد و وزارت اطلاعات و کل دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی برای مقابله با این دشمن ساخته و پرداخته شده است و جمهوری اسلامی نگران آنست که کوتاه آمدنش در برابر غرب، به تضعیف ایدئولوژی و استراتژی که کل این دستگاه سرکوب و جنایت بر آن بنا شده است منجر بشود. این اساس معضل خامنه‌ای و کل جمهوری اسلامی در رابطه با غرب است. *

علت اعتیاد و صنعت اعتیاد!

شرایط بوده است. اما تمام مساله این نیست. در ایران فروش و توزیع مواد مخدر یک تجارت دولتی است. در این گزارش گفته شده "سالانه ۵۰۰ تن انواع مخدرهای سنتی و صنعتی در کشور مصرف می‌شود." اما از دست داشتن مقامات و باندهای حکومت در تولید و فروش مواد مخدر سخنی بمیان نیامده است. فروش و اشاعه ماده مخدر در ایران یک کار و کسب دولتی است و علت اصلی آمار سرسام‌آر و تکان دهنده مصرف مواد مخدر نیز همین امر است. *

"به گزارش ایرنا ۸۵ درصد تریاک و ۳۵ درصد هرویین جهان در ایران کشف می‌شود. کشف این میزان حیرت‌آور از مواد مخدر در جامعه‌ای با جمعیت کمتر از یک در صد جمعیت جهان حاکی از بیماری نظام و شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه است. اعتیاد یک عارضه اجتماعی است که در فقر و بی‌تامینی و افسردگی و نومیدی و میل فرار از واقعیات سخت زندگی ریشه دارد. جمهوری اسلامی از بدو قدرت رسیدنش ماشین تولید و بازتولید این

ترور پاریس، ضربه‌ای به جنبش اسلام سیاسی!

چارلی هستم. لندن و رم و برلین نیز شاهد تجمعات و راهپیمائی هزاران نفره در واکنش به این حرکت تروریستی بود. در ده‌ها نشریه در اروپا و در صدها سایت کاریکاتورهای هفته نامه چارلی ابدو تجدید چاپ شد و بازماندگان هیأت تحریریه این نشریه اعلام کرده اند که شماره بعدی را در تیراژ یک میلیون منتشر خواهند کرد. این گوشه‌ای از قدرت قطب سوم، جبهه مردم متمدن جهان، است که در برابر تروریسم اسلامی تمام قد ایستاده است، و این حرکت تا همینجا تروریسم اسلامی را در تحقق دو هدف اصلی‌اش، مرعوب کردن جامعه و به تمکین و سکوت کشاندن منتقدان اسلام، ناکام گذاشته است. این ضربه‌ای کاری به جنبش ارتجاعی اسلامی در غرب و در همه جای دنیا است. *

اساس تروریسم ایجاد رعب و وحشت در جامعه است. حمله ترویستهای اسلامی به فکاهی نامه چارلی ابدو قرار بود همه ژورنالیستهای سکولار و آته‌ئیست و همه منتقدین اسلام را بترساند و به سکوت و تمکین وادارد. قبلاً در رابطه با سلمان رشدی و روزنامه دانمارکی که اولین بار کاریکاتورهائی از محمد چاپ کرد همین اسلحه رعب و وحشت را بکار گرفته بودند بودند و کم و بیش موفق شده بودند. آن تهدیدها و خط و نشان کشیدن‌ها با اعتراض گسترده‌ای مواجه نشد. اما این بار جنایت وحشیانه آنان در پاریس از جانب توده مردم و ژورنالیستها جواب دندان شکنی گرفت. بیش از صد هزار نفر در شب همان روز در پاریس و دیگر شهرهای فرانسه بخوابانها ریختند و اعلام کردند من



اعتراض بهنام ابراهیم زاده به ۹ سال و ۴ ماه و نیم حکم جدید زندان



ضمیمه: نامه بهنام ابراهیم زاده

به تمام انسانهای آزادیخواه در سراسر جهان
من به حکم جدید زندانی که برایم صادر شده اعتراض دارم
من بهنام ابراهیم زاده از زندان رجایی شهر این نامه را میدهم. قبل از هر چیز از حمایت های شما عزیزان در ایران و در هر کجای جهان که هستید تشکر و قدردانی میکنم. من بدنبال تقاضای فرزندم نیما و خانواده ام، همبندانم و دوستان کارگر و با اتکا به حمایت وسیع و گرم و صمیمانه شما، اعتصاب غذایم را خاتمه دادم. اما همچنان بر خواستهایم پافشاری میکنم. خواست فوری من بازگرداندن من به سالن ۱۲ رجایی شهر به میان

۱۲ تا ۱۸ ژانویه، برابر با ۲۲ تا ۲۸ دیماه هفته حمایت از بهنام ابراهیم زاده است. به هر شکلی که میتوانید به این کارزار بپیوندید. ما را از برنامه های خود به مناسبت این روز با خبر کنید.

۷ ژانویه ۲۰۱۵ برابر با ۱۷ دی ماه ۱۳۹۳
کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
کمیته برای آزادی کارگران زندانی
نهاد کودکان مقدمات
<http://zendanisi-asi.wordpress.com>
<http://free-them-now.com>
<http://childrenfirstnow.com>

حمایت کننده: نهاد مادران علیه اعدام

اطلاعیه شماره ۷: "کمپین بهنام را آزاد کنید"

بهنام ابراهیم زاده در تاریخ ۱۶ دی طی نامه ای از زندان رجایی شهر، خطاب به تمام انسانهای آزادیخواه در سراسر جهان، به حکم جدید زندانش که ۹ ماه و چهار ماه و نیم است، اعتراض کرده است. در این نامه بهنام ارتباط خود با مجاهدین خلق را تکذیب کرده و میخواهد صدای او به گوش جهانیان برسد. بهنام با تاکید بر خواستهایش و با توجه دادن به بدتر شدن وضع جسمانی فرزندش نیما و وضعیت بد جسمانی خود خواهان مرخصی از زندان است. صدای اعتراض بهنام ابراهیم زاده در جهان باشیم. (نامه بهنام ضمیمه است)

میکنم. من با این سازمان نه ارتباطی داشته ام و نه دارم. و این را فقط يك اتهام ساختگی و پاپوش دوزی میدانم.

من نه دزد، نه جنایت کرده ام. من يك فعال کارگری هستم که از حقوق کارگران، حقوق کودکان، حقوق انسانها دفاع کرده ام. اتهام من اینهاست و برای این ۹ سال و ۴ ماه و نیم دیگر من را محکوم به زندان کرده اند. صدور این حکم نیما فرزندم که بیمار است را دچار فشار روحی و عصبی سنگینی کرده است. و همسر و خانواده ام بشدت زیر فشار هستند. بازهم میگویم و میخواهم همه جهانیان صدای من را بشنوند. من به این حکم اعتراض دارم. من اتهام ارتباط با سازمان مجاهدین را تکذیب میکنم. من همچنان پیگیر خواستهایم هستم. و اگر جرم من دفاع از انسانیت است. من همچنان يك انسانم و از حقوق انسانها دفاع میکنم. از همه سازمانهای مدافع انسان در سراسر جهان و از همه کسانی که صدای من را میشنوند میخواهم من و خواستهایم را حمایت و پشتیبانی کنند.

بهنام ابراهیم زاده ۱۶ دی

زندانیان سیاسی است. همچنین بدنبال فشارهایی که در زندان به من وارد شده و ۳۱ روز اعتصاب غذایی که داشتم در وضعیت جسمانی بدی قرار دارم. درخواست فوری من مرخصی از زندان و امکان معالجه و درمانم است. خبر دارید که فرزندم نیما ابراهیم زاده با بیماری سرطان دست و پنجه نرم میکند. اکنون حال او بدتر شده و به بیمارستان هفت تیر انتقالش داده اند. میخواهم فوراً نزد او باشم.

من ۵ سال حکم زندان داشتم که ۴ سال آنرا گذرانده ام. اما من را دوباره دادگاهی کردند. در این دادگاه حتی اجازه ندادند وکیل من خانم منیژه محمدی شرکت کند. در شعبه ۲۶ من را محاکمه کردند و حکم جدید را شعبه ۱۵ به ریاست قاضی صلواتی در ۸ دیماه به من ابلاغ کرد. به من اتهاماتی ساختگی و واهی چون "اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور و ارتباط با سرپل مجاهدین، فعالیت تبلیغی علیه نظام و ارتباط با احمد شهید، و داشتن ماهواره" زده شده است. من این حکم را قبول ندارم و هر گونه ارتباطی با مجاهدین را تکذیب

پیام زیبای هزاران نفر در دنیا به جنبش تروریست و جنایتکار اسلامی نمی ترسیم، از آزادی نقد تابوها و نقد اسلام دفاع میکنیم! این جبهه سوم است!

عربی به اتهام توهین به محمد است، مجبور شده ژست مخالفت با قتل منتقدین را گرفته و همزمان اعلام کند به مذاهب نباید توهین بشود. اینها سردمدار جنایت و قتل و ترور و وحشیگری هستند و باید جواب محکمی از مردم دنیا و مردم در

صفحه ۱۰

ابراز همبستگی کنند. نماینده و سخنگوی وزارت خارجه حکومت اسلامی ایران، این حمله را محکوم کرد و همزمان گفت نباید به مذاهب توهین کرد، نماینده حکومتی که خود سردمدار این قتلها است و تا کنون صدها منتقد اسلام را کشته و همین الان در صدد زمینه چینی برای قتل سهیل

همبستگی عمومی در فرانسه است. پنجشنبه قرار است يك دقیقه سکوت شود و ساعت هفت بعد از ظهر همه مجدداً در هر جایی که امکانش هست به خیابان بروند، از همه مردم در هر جایی که هستند، دعوت میکنم در این حرکت اعتراضی سهیم شوند، از جوانان و مردم در ایران نیز میخواهیم به خیابان رفته و

را در دست گرفته و با خانواده قربانیان این حادثه خونین و تلخ ابراز همبستگی کردند. تحت تاثیر این فضای مدرن و اعتراضی و انسان دوستانه، رسانه های بسیاری گفتند امروز در صفحه اول نشریات، کاریکاتورهای این نشریه را چاپ میکنند. پنجشنبه ۸ ژانویه روز

هزاران نفر در پاریس و لیون و مارس و برلین و لندن و رم و در همه جا به خیابان رفتند و با صدای بلند فریاد زدند، نمی ترسیم، از آزادی نقد مذهب و اسلام و شکستن تابوها دفاع میکنیم، در مقابل وحشیگریهای جنبش اسلامی کوتاه نمی آیم. هزاران نفر کاریکاتورهای منتشر شده در نشریه چارلی ابدو

جعفر عظیم زاده برای دهم اسفند به دادگاه احضار شده است به احضار جعفر عظیم زاده وسیعاً اعتراض کنیم

میگذارد تا جلوی سازمانیابی اعتراضات کارگری را بگیرد. اجازه ندهیم و رهبران مبارزاتمان را در پناه حمایت وسیع خود قرار دهیم.

دفاع از جعفر عظیم زاده، دفاع از خواست افزایش دستمزدها، دفاع از حق تشکل و دفاع از حقوق پایه ای همه کارگران است وسیعاً او را مورد حمایت و پشتیبانی خود قرار دهیم.

طومار اعتراضی بنویسیم و به احضار جعفر عظیم زاده و فشارهایی که بر روی رهبران کارگری وارد میشود اعتراض کنیم. این احضار ها و فشار ها باید فوراً متوقف شود.

همه کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۴ دی ۱۳۹۳، ۴ ژانویه ۲۰۱۵

Shahla. Daneshfar2@gmail.com
siyavesazeri@hotmail.com
http://free-them-now.com
Free Them Now
Campaign to free jailed workers in Iran

بازداشت و به مدت ۴۶ روز در بند ۲۰۹ زندان اوین محبوس بود. مامورین امنیتی هنگام دستگیری جعفر عظیم زاده کلیه اوراق شناسائی وی را ضبط و در مدت نزدیک به هفت ماهی که از آزادی وی میگذرد از عودت آنها خودداری و از این طریق شرایط سختی را در زندگی روزمره بر وی تحمیل و سعی بر اعمال فشار بر او کرده اند.

جعفر عظیم زاده از بنیان گذاران کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری، اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار، اتحادیه آزاد کارگران ایران و از هماهنگ کنندگان طومار چهل هزار نفری و جزو شش نماینده ۱۰۰۰ کارگری است که با وکالت خلیل بهرامیان شکایتی را علیه غارت و چپاول صندوق سازمان تامین اجتماعی در شعبه ۱۵ دادرسی کارکنان دولت مطرح کرده است. از نظر رژیم اسلامی همه این فعالیت ها جرم و تبلیغ علیه نظام است. و در ادامه این تلاش ها و تلاشهای جعفر عظیم زاده برای احقاق حقوق کارگران است که وی را به دادگاه احضار کرده و میخوانند مورد محاکمه قرار دهند. احضار جعفر عظیم زاده به دادگاه را وسیعاً محکوم کنیم.

جمهوری اسلامی رهبران کارگری را زیر فشار

اطلاعیه شماره ۲۰۹

به گزارش منتشر شده در سایت اتحاد (اتحادیه آزاد کارگران ایران) جعفر عظیم زاده از رهبران و چهره های سرشناس کارگری، عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی چهل هزار امضای کارگران، برای صبح روز دهم اسفند ماه به دادگاه انقلاب شعبه خیابان معلم احضار شد.

جعفر عظیم زاده پیش تر در روز دهم آبانماه به شعبه ششم بازپرسی دادرسی عمومی و انقلاب اوین احضار و با اتهامات "اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم برضد امنیت داخلی، خارجی و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی" مورد بازپرسی قرار گرفته بود.

جرم جعفر عظیم زاده همچون دیگر کارگران زندانی، دفاع از حقوق کارگران و انسانیت است. جعفر عظیم زاده از سال ۱۳۹۱ به همراه دیگر همکارانش در جمع هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی چهل هزار نفری کارگران برای افزایش حداقل مزد در جمع آوری امضا و تجمعات اعتراضی و جلسات مربوط به آن در وزارت کار شرکت داشت. او در همین رابطه در ساعت ۱ بامداد دهم اردیبهشت ماه در منزل خود

مهرداد امین وزیری فعال کارگری در سنندج دستگیر شد. ریبوار عبداللہی و فرزاد مرادی نیا از زندان آزاد شدند.

میگوییم. گفتنی است که خانواده های این کارگران نقش مهمی در آزادی و رساندن صدای اعتراض کارگران بازداشتی در شهر و در سطح عمومی داشتند.

فردین میرکی یکی دیگر از فعالین کارگری اخیر در شهر سنندج همچنان در بازداشت بسر میبرد. فردین میرکی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۴ دی ۱۳۹۳، ۴ ژانویه ۲۰۱۵

Shahla. Daneshfar2@gmail.com
siyavesazeri@hotmail.com
http://free-them-now.com
Free Them Now
Campaign to free jailed workers in Iran

امتناع کرده بود.

آزادی ریبوار عبداللہی و فرزاد مرادی نیا دو تن از فعالین کارگری در سنندج طبق اخبار منتشر شده از سوی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ریبوار عبداللہی و فرزاد مرادی نیا دو تن از فعالین کارگری و اعضای این کمیته که اخیراً در شهر سنندج دستگیر شده بودند، در قبال وثیقه ۵۰ و ۷۰ میلیون تومانی در روزهای ۸ و ۱۱ دیماه آزاد و با استقبال گرم و با شکوه خانواده و جمعی از کارگران و فعالین کارگری شهر قرار گرفتند. حاضرین با نثار حلقه های گل و خواندن سرود انترناسیونال عزیزان خود را مورد استقبال قرار دادند.

آزادی ریبوار عبداللہی و فرزاد مرادی نیا را به آنها، به خانواده هایشان و همگان تبریک

اطلاعیه شماره ۲۱۰

طبق اخبار منتشر شده مهرداد امین وزیری از فعالین کارگری در شهر سنندج روز دوشنبه ۸ دی ماه توسط ماموران اطلاعاتی رژیم در محل کار خود دستگیر و به ستاد خبری منتقل شد. بنا بر خبر ها مهرداد وزیری روز ۱۱ دیماه طی تماسی با خانواده خبر داد که در اعتراض به این دستگیری دست به اعتصاب غذا زده است. طبق همین اخبار برای او ۳۰ روز قرار بازداشت موقت صادر شده است. قبل از آن مهرداد امین وزیری روز ۲۲ آذر بصورت تلفنی احضار شده بود که پس از دو ساعت بازجویی او را آزاد کرده بودند.

گفتنی است که مامورین اطلاعات در بازجویی ۲۲ آذر ماه از وی خواسته بودند که تعهد بدهد که دیگر در هیچ تجمع "غیر قانونی" شرکت نکند و مهرداد از دادن چنین تعهدی



از صفحه ۸

پیام زیبای هزاران نفر در دنیا به جنبش تروریست و جنایتکار اسلامی

ایران بگیرند.

به خیابان برویم و اعلام کنیم که در مقابل جنبش تروریستی اسلامی کوتاه نمی آییم. ما مردم دنیا، ما جبهه سوم، ما نود و نه در صدها از پرنسپ های که سالها برای متحقق کردن آنها مبارزه شده در مقابل مشت

تروریست و وحشی اسلامی دفاع میکنیم. بویژه امروز صدای اعتراض ما به گوش میلیونها نفر میرسد. در تظاهراتها شرکت کنید و با صدای بلند علیه جنبش اسلامی و علیه جمهوری نکبت اسلامی سردمدار تروریسم اسلامی فریاد بزنید.

زنده باد همبستگی جهانی با چارلی ابدو
زنده باد مبارزه متحدانه مردم متمدنی علیه جنایات و وحشیگریهای جنبش اسلامی
مینا احدی
۸ ژانویه ۲۰۱۵

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سر دبیر این شماره: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود